

نگاهی به نوشته اخیر یدالله خسروشاهی

مطلبی را از یدالله خسروشاهی تحت عنوان « جنبش کارگری ایران، معضلات و چشم انداز آتی » که گویا متن سخن پراکنی اخیر ایشان می باشد، در سایت افق روشن رویت کردم که در این نوشته کوتاه، مورد بحث یا نقد من نمی باشد زیرا تکرار همان حرف های همیشگی یک سندیکالیست خالص قدیمی و تازگی ها بسیار فرقه گرا، با همان شیوه های خاص شناخته شده خود او می باشد، مطلبی با محتوایی سطحی که ریشه اصلی تمامی نارسایی ها و بدبختی ها و مصائب توده های کارگر ایران را نه در نظام سرمایه داری، بلکه در این یا آن سیاست دولتمردان می بیند. مطلبی سر تا پا توهم انگیز که تلاش دارد تا بنیاد موجودیت سرمایه داری و رابطه خرید و فروش نیروی کار را منزله جلوه دهد و گرسنگی و فقر و فلاکت توده وسیع کارگر را به نوع رژیم حاکم منتسب کند. مطلبی بی مایه که اختلافات راه حلها و راهبردهای ماهیتاً متفاوت موجود در جنبش کارگری، حتی اختلاف میان رویکرد ضد سرمایه داری و برای محور سرمایه داری، با گرایش رفرمیست های راست سندیکالیست نوع خودش را، تا حد اختلاف نظر در مورد نوع و ساختار تشکل های کارگری یا از آن هم بی معنی تر به شیوه تالیف بین کار قانونی و کار فراقانونی تقلیل می دهد. این آخری ظاهراً فقط تلاش ناشیانه ای برای استتار سرشت عمیقاً کاپیتالیستی قانونگرایانه خود اوست که در تمامی عمرش سوای سندیکاسازی مطابق نظم بردگی مزدی به هیچ چیز دیگر باور نداشته است. این وارونه نمائی برای پوشش دادن به آن سندیکالیسم قانونگرای سرمایه پسند و سرمایه مسلک، لابد درسی است که از دوست "دیالکتیسین اش" !! یاد گرفته است. همان دوستش که فعلاً یدالله برای مبارزه با گرایش ضد سرمایه داری، با او و نوع او وحدت کرده است. "دیالکتیسینی" !! که یادم می آید در یکی دو سال بعد از انقلاب سال 57 در بحث و صحبت و عملاً نیز، بطور دیالکتیکی!! عقیده داشت که " زن تابعی از متغیر مرد است " !!

حرفهای مشابه متن سخن پراکنی جناب یدالله هر کجا که لازم بوده و موضوعیتی داشته است به کرات از طرف فعالین لغو کار مزدی بطور جامع پاسخ گرفته است و نیاز به پاسخ مجدد ندارند. موضوعی که باعث شد به نوشتن این مختصر بپردازم، تکرار برخورد بغایت تحریف آمیز، کینه توزانه و چندی آور عباراتی است که یدالله و امثال ایشان خود را مجاز می دانند تا با زیر پا گذاشتن کلیه معیارهای اخلاق انسانی آن ها را مثل آدماس بچوند و تکرار نمایند.

او نوشته است :

"در ابتدا باید یاد آور شوم که گروه «لغو کار مزدی» که برای سرپوش گذاشتن بر بی عملی مطلق خود هر گونه سازمان یابی کارگران را در مراکز کاری نفی می کند، در این جا مورد توجه من نیست. چرا که این جمع بسیار کوچک (مثلاً کوچکتر از گروه منحنف هفت تنان خودش) با نسخه پیچی و دعا نویسی، سه سالی است این چنین فتوا صادر کرده که تشکل کارگری باید «تشکل ضد سرمایه داری» باشد، اما در پیچ و خم ها و مقاطع حساس درون جامعه، فارغ از وقوع مبارزات رادیکال، به کوه پایه ها روی آورده اند تا هوای تازه استنشاق نمایند لذا من به فعالیت جمع هایی می پردازم که در کوران مبارزه جاری کارگران نقش داشته و در این راه هستی خود را خالصانه در راه رسیدن کارگران به یک زندگی انسانی در معرض خطر قرار داده اند "

تمام تمرکز کار و بحث فعالین ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی روی سازمان یابی توده های کارگر در مراکز کار و تولید علیه سرمایه داری قرار داشته و دارد و به این اعتبار تنها رویکردی است که حزب سازی و فرقه آفرینی از هر نوع و از جمله نوع سندیکالیسم منحنف فرقه ای یدالله در بالای سر کارگران را، با قاطعیت نقد و طرد می کند. و سازمان یابی ضد سرمایه داری کارگران در بستر مبارزات جاری آنان را اساس کار خود قرار می دهد. جنبش کارگری را جنبشی ضد سرمایه داری می بیند و برای سازمانیابی همین جنبش، برای آگاه کردن و نیرومند ساختن و افق دارتر شدن آن، همه توان خود را به کار می گیرد. در عمل رادیکال ترین حرکت ها مانند یخچال سازی خرم آباد و جاهای دیگر را سازمان داده و می دهد و بهای آنرا با تحمل زندان، شکنجه و هر مجازات دیگری پرداخت کرده است و می کند. گرایش ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی تنها رویکردی است که مبارزه علیه رژیم سیاسی را از مبارزه ضد سرمایه داری جدا نمی کند بلکه آنرا در پیوند ارگانیک با مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر می داند. به همین خاطر است که رویکرد ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی، آب در آشیانه عنکبوتی تمامی اربابان احزاب فرقه ای و سندیکالیست های نوع یدالله ریخته است و بر سر همین مسایل است که در حال حاضر با عناصری از نوع یدالله در کمیته هم آهنگی نیز درگیر است. تمامی ادبیات گرایش ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی شاهد این مدعا هستند. بطور نمونه مطلب دو رویکرد اخیر محسن حکیمی و نوشته های دیگر رفقای این گرایش در ایران و نوشته های فراوان دیگر.

رویکرد ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی جنبش کارگری بر خلاف دروغ های کاملاً کینه توزانه ای که یدالله به هم می بافتد، نه مولود سالهای اخیر که همزاد خود جنبش کارگری است. سابقه تاریخی این رویکرد را باید در کمون پاریس،

انترناسیونال اول، انقلاب اکتبر و در هر حرکت رادیکال کارگری علیه اساس کار مزدی جستجو نمود. درست به همان گونه که پیشینه یداله و هفت تنان همراهش را باید در رفرمیسم راست منحنی سندیکالیستی و در کارنامه بند بازیهای زشت سندیکالیسم ارتجاعی برای خدمت به ماندگاری نظام بردگی مزدی کندوکاو کرد.

اینجا چکیده ای نکات فراوانی است که در مورد جمله بالای یداله می توان به قلم آورد اما من می خواهم از یداله سوال کنم که بعد از آن همه انحرافات سیاسی سابق از سندیکالیسم زمان شاهی بگیر تا اکثریتی بعد از زمان شاهی، تا نوع اسانلو و مددی حسینی ساز، آیا از این گونه حرف های دروغ و تحریف آمیز و توده ای و اکثریتی وار خسته نشده ای؟ اغلب آدمهایی که تو در خدمت آنها هستی عمراً هیچ بهائی برای کارهایشان پرداخت نکرده اند. اما تو برای همین کارهای سندیکالیستی ات کم تاوان نداده ای. چرا در این دوران پیری این تتمه حرمت سیاسی را هم که در خارج کشور کسب کرده بودی این چنین بر باد میدهی! اگر فعالین جنبش لغو کار مزدی بر راستی بقول تو بسیار کوچک و اندک هستند، پس این همه وحشت تو و همراهانت از کجا سرچشمه می گیرد؟ من و تو هر دو، از سالها قبل و به طور کامل با ماهیت و شخصیت این همنشینان کنونی تو آشنا هستیم. فعال ترینشان در ضدیت و لجن پراکنی بر علیه فعالین گرایش ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی است که می خواهد خودی نشان دهد. سؤال من این است که راستی راستی وحشت شما از چیست که در هر نوشته سطحی و بی مایه بطور ریاکارانه صدها دروغ علیه فعالین ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی سر هم بندی می کنید؟ اگر خودت نمیدانی من می دانم دلیل این کار چیست؟ من کاملاً میدانم چه عواملی تو را بسوی وحدت و اتحاد عمل بر علیه گرایش ضد سرمایه داری سوق داده است. من می دانم که چرا با کسانی که پیش از این با آنان هیچ تفاهم و توافقی نداشتی و حتی مانند من چشم دیدن بعضی از آنان را هم اصلاً نداشتی، این چنین به وحدت رسیده ای. برای من روشن است که چرا با هفت تنان مروج سازش و اجماع کارگران با بورژوازی، تا این حد نزدیک می شوی که پای هر نوشته میتذلی از جانب آنان را امضا می گذاری. از جمله پای نوشته ای که با وقاحتی بیشتر و شنیع تر از دار و دسته توده ای ها و اکثریتی ها و همه عمال بورژوازی، فعالین ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی را در کنار جمهوری اسلامی قرار داده بود. دلیل همه اینها این است که شما در سندیکالیست یودن و پرستش نظام سرمایه داری و در ضدیت با هر حرکت ضد سرمایه داری با هم وحدت دارید. آنچنان منافع شما با سرسپردگان رابطه اجتماعی سرمایه در ایران یعنی سندیکالیست های ظاهراً مستقل از دولت اما منحل در نظام سرمایه داری، به هم آمیخته شده است که از هیچ برنامه ریزی مشترکی با هفت تنان در کار ترور شخصیت فعالین ضد سرمایه داری و جنبش لغو کار مزدی ابایی ندارید.

اما یداله تاریخ مصرف سیاسی شما در به انحراف کشاندن جنبش کارگری و انحلال آن در چهارچوب نظام سرمایه داری به پایان رسیده است. این راهی را که در امتداد گذشته ات ادامه می دهی به ترکستان است. این را بدان که آخر و عاقبت ضدیت با جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر بالاخره و در نهایت افتادن در باتلاق همراهی مستقیم با دولتهای بورژوازی از هر نوع منجمله نوع اسلامی و مانند سابق همپالکی شدن با توده ای ها و اکثریتی ها و نوع آنهاست. این را به عنوان یک دوست به تو می گویم، می خواهی سختم را بپذیر یا برنج.

جمشید کارگر

16 دسامبر 2007